ذره بین

«آرمان ملی» گزارش می‌دهد

## رویای بی‌تعبیر صهیونیست‌ها در لبنان

**آرمان ملی- عماد موحد:** گفته می‌شود که آمریکا جولانی را تحت فشار قرار داده تا در لبنان نقش بیشتری ایفا کند. منظور از ایفای نقش بیشتر در لبنان مشخصا رو در رو قرار گرفتن با حزب‌ا... است. آمریکایی‌ها تصور می‌کنند که با یادآوری گذشته می‌توانند جولانی را راضی به این کار کنند. به نظر می‌رسد یکی از مهم‌ترین حامیان چنین طرحی اسراییل باشد. اگر احمد الشرع وارد درگیری مستقیم با حزب‌ا... لبنان شود، این تحول از نگاه اسرائیل می‌تواند چند مزیت راهبردی داشته باشد؛ هرچند تحقق آنها در گرو توانایی نظامی سوریه، واکنش ایران و موضع دیگر بازیگران منطقه‌ای است. نخستین سود برای اسرائیل، گشوده شدن یک جبهه جدید علیه حزب‌ا... است. حزب‌ا... تاکنون عمده توان خود را بر مقابله با اسرائیل در مرزهای جنوبی لبنان متمرکز کرده است. اسراییل تصور می‌کند که اگر حزب‌ا... مجبور شود بخشی از نیروها و تجهیزات خود را صرف درگیری با جولانی کند، تمرکز و توان رزمی آن در برابر اسرائیل کاهش می‌یابد و با خیال چنین نتیجه‌ای می‌تواند فشار نظامی و اطلاعاتی بر حزب‌ا... را افزایش دهد. دومین مزیت، تضعیف محور ارتباطی ایران با حزب‌ا... است. بخش مهمی از انتقال تجهیزات و پشتیبانی در سال‌های گذشته از خاک سوریه انجام شده است به این دلیل که هنوز تسلط جولانی و دولت خودخوانده او بر تمام سرزمین شام ممکن نشده است. از سوی دیگر ایران هنوز آنجا نفوذ دارد و می‌تواند اهداف خود را محقق کند. اگر دولت سوریه در این مسیر وارد درگیری شود یا کنترل بیشتری بر مرزها اعمال کند، اسراییلی‌ها تصور می‌کنند مسیرهای لجستیکی محدود می‌شود و هزینه‌ها برای حزب‌ا... افزایش یابد. سوم، اسرائیل از کاهش نفوذ ایران در سوریه استقبال خواهد کرد. در صورت رویارویی دمشق با حزب‌ا...، شکاف میان دولت سوریه و نیروهای همسو با ایران عمیق‌تر می‌شود و این امر می‌تواند به کاهش حضور منطقه‌ای تهران بینجامد؛ هدفی که اسرائیل سال‌ها برای آن تلاش کرده است. با این حال، این سناریو مخاطراتی نیز برای اسرائیل دارد. درگیری داخلی در مرزهای سوریه و لبنان می‌تواند بی‌ثباتی بیشتری ایجاد کند و زمینه فعالیت گروه‌های مسلح دیگر را فراهم سازد. همچنین اگر جنگ گسترش یابد، احتمال دخالت مستقیم ایران یا دیگر بازیگران منطقه‌ای نیز وجود دارد که می‌تواند امنیت اسرائیل را با چالش‌های تازه‌ای روبه‌رو کند. در مجموع، از منظر راهبردی، اسرائیل احتمالاً از هر تحولاتی که توان حزب‌ا... را کاهش دهد و ارتباط آن را با ایران محدود کند، منتفع می‌شود.

**التماس و عجز جولانی**

در سوی دیگر جولانی نسبت به چنین مساله‌ای واکنش نشان داده است. ابومحمد الجولانی، رئیس موقت سوریه اعلام کرد: «ما قصد انجام مداخله نظامی در لبنان را نداریم». الجولانی به الجزیره گفته است: «ما با دولت لبنان درباره راهکارهایی که به برون‌رفت لبنان به ساحل امنیت کمک می‌کند، گفت‌وگو می‌کنیم». وی افزود: «راهکار بحران در لبنان لزوما امنیتی نیست و ما در تلاش برای راهکاری جامع برای این بحران هستیم». الجولانی با بیان اینکه هرگونه ناامنی در لبنان بر اوضاع سوریه مستقیما بازتاب خواهد داشت، گفت: «ما از انحصار سلاح و قرار داشتن تصمیم جنگ و صلح به دست دولت لبنان حمایت می‌کنیم». جمله اخیر جولانی نشان دهنده همداستانی او با تلاش برای خلع سلاح حزب‌ا... است. گفتن از اینکه سلاح باید در دست ارتش باشد، با توجه به اینکه ارتش لبنان آنقدر ضعیف است که نمی‌تواند بر مرزهای این کشور اعمال حاکمیت کند، به معنای گرفتن ابتکار عمل از حزب‌ا... است. جولانی با بیان اینکه از گسترش دامنه جنگ در منطقه نگران است، گفت: «ما از درگیری با اسرائیل پرهیز می‌کنیم و هیچ منفعتی در این امر نداریم». چنین سخنانی نشان دهنده رفتار مزورانه جولانی است. اسراییل تمام منطقه را به آشوب کشانده است و با توجه به جنایت‌هایی که در غزه مرتکب شده، و با توجه به اینکه عده‌ای از تندروهای شهرک نشین در اسراییل برای ساخت و ساز در غزه دندان طمع تیز کرده‌اند، سخن گفتن از اینکه درگیری با اسراییل نداریم، آنهم در زمانی که هنوز بلندی‌های جولان در اشغال ارتش صهیونیستی است، معنایی جز این ندارد که جولانی به هر قیمتی می‌خواهد در سوریه ماندگار شود و نسبت به هر تحولی نگران است. وی عنوان کرد: «ما در تلاش برای دستیابی به توافق امنیتی با اسرائیل با مشارکت گروهی از کشورها هستیم. اگر توافق امنیتی با اسرائیل موفقیت‌آمیز باشد، این امر مقدمه‌ای برای صلح فراگیر بدون دست شستن از حق سوریه در جولان اشغالی خواهد بود». این سخنان در حالی ابراز می‌شود که اسراییل بعد از سقوط دولت اسد، بی‌توجه به قوانین بین‌المللی زیرساخت‌های نظامی سوریه را مورد حمله قرار داد. با توجه به چنین سابقه‌ای، سخنان جولانی بیشتر به عجز و التماس شباهت دارد.

«آرمان ملی» موضع دولت در خصوص افزایش قیمت بنزین را بررسی می‌کند

# شفاف‌سازی جزئیات؛ اعتمادسازی در جامعه

**آرمان ملی- حمید شجاعی:** تغییرات اقتصادی در جامعه و افزایش قیمت‌ها در حوزه‌های مختلف همواره با واکنش‌های مختلفی روبرو بوده است و جامعه نیز به آنها واکنش نشان داده است. اما شاید بتوان گفت تنها افزایش قیمتی که آستانه صبر و تحمل جامعه را لبریز می‌کند و حتی می‌تواند موجبات ایجاد اعتراض و نارضایتی جامعه را فراهم آورد بحث افزایش قیمت سوخت و حامل‌های انرژی است. اتفاقی که به کرات و به تجربه ثابت شده صرفا تبعات اقتصادی با خود به همراه ندارد و تبعات اجتماع، روانی و امنیتی نیز به همراه خواهد داشت. کافی است نگاهی به ادوار و مقاطع گذشته که در آنها قیمت حامل‌های انرژی با تغییراتی همراه شد بیندازیم و ببینیم این تغییرات چه تاثیراتی بر جامعه گذاشته و در ادامه چه تحولاتی در کشور رقم زده است. نخستین تجربه افزایش قیمت بنزین به دولت نهم محمود احمدی‌نژاد بازمی‌گردد که پس از کنار گذاشتن طرح پلکانی قیمت حامل‌های انرژی که از دولت خاتمی آغاز شده بود و جایگزین کردن طرح تثبیت قیمت‌ها از سوی مجلس هفتم نه تنها دولت وقت آن را کنار گذاشت بلکه با افزایش قیمت سوخت نخستین شوک بنزینی را به جامعه وارد کرد و باعث شد جامعه در سال ۸۶ چند مدت با التهابات اجتماعی روبه‌رو شود و شاهد به آتش کشیده شدن چند پمپ بنزین هم بودیم. این روال اما برای دولت‌های بعدی درس نشد و ۱۲ سال بعد در دولت حسن روحانی نیز شاهد بودیم که آبان ۹۸ دومین شوک بنزینی به جامعه وارد شد و شاهد التهاب گسترده‌ای در جامعه بودیم و اتفاقات ناگواری نیز رخ داد. حال اینکه انتظار می‌رفت این رویه در دولت بعدی نیز ادامه یابد؛ اما برخی معتقدند که دولت سیزدهم مرحوم رئیسی شاید به دلیل ترس از واکنش جامعه تن به افزایش قیمت نداد. اتفاقی که در دولت پزشکیان نیز به نحوی اجرا شد، اما چون به نحوی برای آن ضربه‌گیر تدارک دیده بودند، اعتراض چندانی ایجاد نکرد. این در حالی است که باز هم صدای احتمال افزایش قیمت بنزین به گوش می‌رسد.

**بنزین و افکار عمومی**

روز شنبه بود که فاطمه مهاجرانی، سخنگوی دولت در حاشیه آیین بزرگداشت رهبر شهید انقلاب در خصوص شایعه افزایش نرخ بنزین، اظهار داشت: «در خصوص مدیریت مصرف بنزین نیاز به راهبردهایی داریم. دولت یارانه‌ای را برای بنزین اختصاص می‌دهد، لذا بدیهی است که برای تراز کردن مصرف بنزین باید راهکاری اتخاذ شود. این موضوع قطعی و یقینی است، اما اینکه راهکار در خصوص «سهمیه» باشد و یا «قیمت»، حتما خدمت مردم با دقت، صراحت و شفافیت همچون گذشته اعلام خواهیم کرد». این اظهارات مهاجرانی بارقه‌هایی از نگرانی را در جامعه به‌وجود آورد که که شاید قرار است در دولت پزشکیان شوک سوم نفتی را تجربه کنیم و تاثیر آن بر جامعه را ببینیم. اما آنچه که مسلم است افزایش قیمت بنزین تمامی ساحت‌ها و شئون جامعه را تحت تاثیر خود قرار می‌دهد. قدر مسلم اظهارات اخیر سخنگوی دولت درباره ضرورت «تراز کردن بنزین» یک پیام روشن دارد؛ اینکه دولت چهاردهم دیگر اصل اصلاح سیاست سوخت را انکار نمی‌کند و تنها درباره زمان و شیوه اجرای آن سخن می‌گوید. در حالی که اقتصاد ایران همچنان با تورم بالا، کاهش قدرت خرید خانوارها و ناترازی گسترده در حوزه انرژی دست و پنجه نرم می‌کند؛ شرایطی که باعث شده هرگونه تصمیم درباره بنزین، تنها یک تصمیم اقتصادی نباشد و به موضوعی با پیامدهای اجتماعی و حتی سیاسی تبدیل شود. لذا برای اینکه بتوان کنترل شده‌تر پیش رفت و از تبعات بعدی این اتفاق جلوگیری کرد دولت باید جزئیات طرح جدید خود را برای افزایش قیمت بنزین با جامعه در میان بگذارد و شفاف با مردم سخن بگوید تا هم جامعه را در جریان این تغییرات قرار دهد و هم نوعی اعتمادسازی شکل گیرد و مردم بدانند که دولت در مسیر اصلاحات قدم برمی‌دارد نه ایجاد مشکلات بیشتر برای مردم. مسئله این است که اعتماد از دست رفته تنها با اطلاع‌رسانی بازنمی‌گردد و نیازمند گفت‌وگوی صریح با جامعه و ارائه تصویری روشن از ضرورت و پیامدهای تصمیمات است. البته نباید این نکته مهم را نیز از نظر دور داشت که شرایط کشور منبعث از تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی شرایط عادی نیست و در میانه جنگ و دیپلماسی باید شرایط دولت و حاکمیت را نیز در نظر گرفت و با یک همگرایی و هماهنگی در اتخاذ تصمیمات با کمترین مشمل از این شرایط عبور کنیم.

**مثلث دولت، جامعه و خودروساز**

واقعیت این است که در مساله افزایش قیمت حامل‌های انرژی تنها نمی‌توان این مساله را از یک جهت دید و صرفا دولت را مسئول یا مقصر دانست. بلکه باید مجموعه موثر در موضوع را دید و بر اساس عملکرد همه اجزاء آن، شرایط را تحلیل کرد. در این خصوص دولت، جامعه و خودروسازان مجموعه‌ای هستند که اگر هریک به درستی کار نکند نمی‌توان از دو بخش دیگر انتظار داشت. همانطور که نمی‌توان همه چیز را به گردن دولت انداخت و تبعات هر اقدامی را از چشم دولت دید، بهمان اندازه باید سهم دیگر طرف‌ها را نیز در نظر گرفت. مثلا جامعه در جایگاه خود نقش موثری در مصرف سوخت دارد. از طرفی با توجه به قیمت پایین بنزین در کشور، قاچاق سوخت و مفاسدی که از این مسیر رخ می‌دهد باید سازوکاری فراهم شود تا از این اتفاق که ضررهای جبران ناپذیری را به کشور وارد می‌کند جلوگیری شود. خودروسازی و صنعت نیز باید در مسیر تولیدات خود به نحوی عمل کنند که خودروهایی تولید شود که سوخت کمتری مصرف می‌کند. با ایجاد تعادل بین این سه بخش می‌توان انتظار داشت مساله بنزین قابل مدیریت باشد و از این رهگذر نه مردم دچار دلهره و آسیب شوند و نه دولت دچار کسری بودجه ناشی از پرداخت یارانه سنگین شود. به نظر می‌رسد اکنون زمان آن است که خودروسازها مسئولیت بیشتری به عهده بگیرند و گام‌های موثری در راه تولید خودروهای با مصرف پایین بردارند.

«آرمان ملی» خیابانی شدن سیاست خارجی را بررسی می‌کند

# تقلیل‌گرایی پرهزینه!

**آرمان ملی- مرتضی خبازیان:** یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که باید مد نظر فعالان سیاسی از هر گروه و جناحی قرار بگیرد این است که از خیابانی شدن سیاست خارجی جلوگیری شود. پرواضح است که خیابانی نشدن سیاست خارجی منافاتی با دانستن حق مردم است، ندارد. ای بسا که وقتی سیاست خارجی به عرصه خیابان کشیده و سوژه فعالیت‌های خیابانی شود، جفا به همان مردم باشد. به بیان دیگر به این سوال مهم باید پاسخ داد که حد خیابانی شدن سیاست خارجه کجاست؟ آیا اساسا پیچیدگی‌های سیاست خارجی اجازه می‌دهد که چنین موضوعی دستمایه اظهارنظرهای خیابانی باشد؟ اکنون که موج سوم درگیری‌ها فروکش کرده و همزمان اخباری درباره جدی‌تر شدن گفت‌وگوها بین طرفین شنیده می‌شود، این احتمال وجود دارد که مخالفان رفع تنش فعالیت خود را در سطح خیابان تشدید کنند.

**پیچیدگی سیاست خارجی**

ایران در موج سوم نشان داد که نه تنها از منافع ملی خود در تنگه هرمز کوتاه نمی‌آید، بلکه درگیری شدید ۴۰ روزه نتوانسته در قدرت پاسخگویی ایران تاثیر منفی داشته باشد. حملات آمریکا به مناطقی از کشورمان با پاسخ شدید ایران در کویت و بحرین، موجب شد طرف آمریکایی با این عنوان که فرصتی به دیپلماسی داده، حملات را متوقف کند. توقف درگیری‌ها و تلاش برای رسیدن به وضعیت پایدار تامین کننده منافع کشورها منطقه است و تنها بازیگری که در این بین مغبون می‌شود، رژیم صهیونیستی است. این منتهی آمال و آرزوی صهیونیست‌ها بوده که کشورهای منطقه در برابر هم صف‌آرایی و توان یکدیگر را تضعیف کنند. مطرح کردن مقابله با حزب‌ا... لبنان توسط نیروهای جولانی هم در همین راستا قرار می‌گیرد. جولانی حامی پا در رکابی به نام ترکیه دارد و لایه‌هایی از سیاستمداران عرب حاشیه خلیج فارس هم از او و دولت خودخوانده‌اش حمایت می‌کنند. ترامپ تلاش زیادی کرده تا او را وارد معرکه لبنان کند و اگرچه جولانی هنوز حاضر نشده در این وادی گام بگذارد، اما یکی از رسانه‌های صهیونیستی مدعی شده که نظر منفی جولانی تنها پوششی برای اقدامات آینده او بوده و احتمالا او وارد درگیری در لبنان خواهد شد. این یکی از مسائلی است که به ایران ربط دارد و ایران که در تفاهمنامه اسلام‌آباد توانست جبهه لبنان را وارد تفاهمنامه کند و با این کار تا حد زیادی از تجاوز رژیم صهیونیستی به لبنان کاست، نمی‌تواند نسبت به چنین مساله‌ای بی‌تفاوت باشد. در سوی دیگر زلنسکی مسئولیت حمله به کشتی ایرانی در دریای خزر را به عهده گرفته است و وزارت امور خارجه کاردار این کشور را احضار کرده و اعتراض شدید خود را به دولت اوکران ابراز کرده است. عباس عراقچی در گفت‌وگوی تلفنی با کایاکالاس حق واکنش را به شکل تلویحی برای خود محفوظ دانسته است.

این هم یکی از موضوعاتی است که باید تعیین تکلیف شود. درگیری ایران و آمریکا، پرونده‌های باز بین دو کشور، واکنش حوثی‌ها به تجاوز عربستان سعودی به مناطقی از یمن، رفتار عمان در برابر ترتیبات ایرانی عبور از تنگه هرمز، ارتباط با چین و روسیه درباره عبور انرژی از گلوگاه‌های استراتژیک هرمز و باب‌المندب و موارد متعدد دیگر تنها فهرستی از مسائل مربوط به سیاست خارجی کشور است. به این فهرست باید ارتباط با کشورهای دیگر در حوزه‌های اقتصادی، امنیتی و سیاسی را افزود و این به معنای فعالیت معاونت‌های مختلف در وزارت امور خارجه است. با همه این پیچیدگی‌ها، تقلیل مشکلات و تصمیم‌گیری در سیاست خارجی را چطور می‌توان به خیابان کشاند؟

**تجربه تفاهمنامه اولیه**

تجربه پایان درگیری ۴۰ روزها و طرح آتش‌بس پیشنهادی که مورد حمایت کشورهای منطقه هم بود، اهمیت بسیاری دارد. عراقچی در گفت‌وگوی خود اشاره کرد که چنین تصمیم‌هایی با هماهنگی و همراهی همه ارکان نظام صورت می‌گیرد اما تندروها که تجمعات خیابانی را در دست داشتند، بدون توجه به چنین اقتضائاتی تلاش داشتند بین موافقان و مخالفان مذاکره خط بکشند. آنها توانستند چنین تصمیم بزرگی را به سطح خیابان بکشانند و درباره آن اظهار نظر کنند. با وجود چنین تجربه باید سوال کرد چرا تندروها به این نکته بسیار حساس توجه نداشته‌اند که خیابان ظرفیت پرداختن به جزییات چنین تصمیمی را ندارد؟ در سطح جهان هم این موضوع قابل ردیابی است. از دهه ۹۰ میلادی تصمیم‌گیری در سیاست خارجی بیش از گذشته به مطالعات تخصصی متکی شد و موضوعاتی مانند، انرژی، تغییرات اقلیمی، فناوری‌های نوین، امنیت سایبری، زنجیره‌های تامین، هوش مصنوعی و نیازمند پژوهش‌های عمیق توسط متخصصان در حوزه‌های مختلف شد. به بیان دیگر هر تصمیم در سیاست خارجی در انتهای ساعت‌ها بررسی‌های تخصصی قرار می‌گیرد و نمی‌توان آن را به خواست و میل جناحی و جریانی تقلیل داد.

**اهمیت انتخابات**

به موازات فعال شدن اندیشکده‌ها و دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی و نیاز دولت‌ها به ارتباط بیشتر به این مراکز، سوال دیگری شکل گرفت که آیا سیاست خارجی از مردم فاصله گرفته است؟ ممکن است در ظاهر چنین به نظر برسد اما توضیح بهتر آن است که نوع مشارکت مردم تغییر کرد. در کشور ما تلاش‌ها بر این بوده که مردم دیدگاه خود را در انتخابات و حضور در رسانه‌ها ابراز کنند و از این نظر اهداف کلی در انتخابات رقم می‌خورد اما طراحی راهبرد، تحلیل سناریوها و ارزیابی پیامدها برعهده متخصصان است. شاید بتوان چنین مقایسه‌ای صورت داد؛ همانطور که شهروندان درباره سلامت خود نظر دارند و نظر آنها صائب است اما تصمیم‌گیری‌های مهم درباره بیماری را به پزشک متخصص می‌سپارند، در سیاست خارجی هم ترجیح عمومی روشن است اما تدوین و اجرای آن باید به کارشناسان و متخصصان امر سپرده شود. چند عامل اصلی در ایجاد این روند نقش داشته است که می‌توان به شکل خلاصه فهرست کرد. افزایش پیچیدگی نظام بین‌الملل، ظهور سلاح‌های هسته‌ای و بازدارندگی، جهانی شدن اقتصاد، نیاز به تحلیل‌های مبتنی بر داده، تخصصی شدن رشته روابط بین‌الملل، گسترش اندیشکده‌های سیاست‌گذاری و افزایش هزینه خطا در تصمیمات خارجی.

**گفت‌وگوی شهروندان**

اگر تندروهای مخالف تصمیم‌های کلان نظام درباره تعامل و رفع تنش بخواهند مستقیما مردم حاضر در تجمعات شبانه را طرف سخنان خود قرار دهند، باید قبل از آن زمینه‌های شکل‌گیری تصمیم را برای مردم باز کنند و چون چنین چیزی ممکن نیست، خیابانی کردن سیاست خارجی خطای بسیار خواهد داشت. در کنار خطای نهفته در چنین کاری باید به این موضوع مهم توجه کرد که خیابانی شدن سیاست خارجی نتیجه‌ای جز وحدت‌شکنی نخواهد داشت. تصور اینکه مخالفان و موافقان یک تصمیم در حوزه سیاست خارجی بخواهند دیدگاه خود را مستقیما با مردم در میان بگذارند، دشوار است و نمی‌توان پیش‌بینی کرد که شکاف بین دو گروه از مردم چقدر عمیق خواهد شد و عمیق شدن شکاف بین گروه‌های مردم، باعث منتفی شدن امکان گفت‌وگو بین شهروندان خواهد شد. اکنون که احتمال رسیدن به تصمیم نهایی توسط نظام بیشتر شده، لازم است جریان‌های سیاسی به این مهم توجه داشته باشند. اتفاق درخور توجه در ماه‌های اخیر این است که برخی چهره‌های تندرو مطالبات خود را به میان مردم کشاندند. مطالباتی که در حیطه سیاست خارجی کشور قرار می‌گیرد. نکته اینکه هیچ کدام از آن چهره‌های تندرو نمی‌توانستند به فرایندی که منجر به تصمیم کلان نظام شده، توجه کنند. آنها صرفا بر نتیجه و تصمیم نهایی تمرکز داشتند که مطابق میل و خواسته آنها نبود. به بیان دیگر تندروها تصمیمی را که در پس ساعت‌ها و بلکه روزها گفت‌وگو و مشاوره با کارشناسان مربوطه اتخاذ شده بود، تا حد یک تصمیم سیاسی جریانی فروکاستند و اصلا توجه نکردند که با حمله به این تصمیم به مجموعه‌ای از نهادهای این کشور حمله می‌کنند. این اقلیت تندرو در فضای مجازی و در رسانه‌های اثرگذار تحلیل‌های نادرس و جهت‌دار به ذهن مردم القا می‌کردند و بر اساس همان تحلیل‌ها، شعارهایی طراحی می‌کردند و عجیب اینکه شعارهای طراحی شده را به عنوان سخنان و منویات رهبر انقلاب و رهبر شهید معرفی می‌کردند. حداد عادل یکی از کسانی بود که در برابر این قلب مضمون ایستاد.

گزارش

## تک و پاتک پزشکیان و جبلی در دولت

اگر چه این روزها مسعود پزشکیان، رئیس جمهور مرتبا از اقدامات صداوسیما انتقاد می‌کند اما دولتمردان او مانند سیدعباس عراقچی و محمدجعفر قائم‌پناه نیز یک به یک به قطار منتقدان این رسانه ملی افزوده شدند. گویی رئیس جمهور در سومین سال ریاست جمهوری‌ش به این نکته پی برده که وفاق سیاسی با تندروهای مخالفش جواب نمی‌دهد. او که روزی توصیه به دوری از دعوا می‌کرد حال منتقد شماره یک عملکرد پیمان جبلی و همکارانش است.

**سانسور رئیس جمهور!**

کارشکنی‌ها و سیاسی‌کاری‌های صداوسیما علیه دولت چهاردهم مربوط به دیروز و امروز نیست و از همان روزهایی که پزشکیان ردای کاندیداتوری در انتخابات ریاست جمهوری بر تن زد، مشخص بود که کاری سخت در مقابل یاران جلیلی در این سازمان دارد. سازمانی که ریاستش بر عهده پیمان جبلی بوده و قائم مقامی آن را وحید جلیلی بر عهده دارد. به نوشته خبرآنلاین، از تیر ۱۴۰۳ تا به امروز هم این سازمان با دعوت از کارشناسان و مجریانی که مواضع سیاسی‌شان به نگاه و مواضع سیاسی رئیس دولت سایه نزدیک بوده است، تلاش کرده تا اقدامات دولت را زیر سوال ببرد. اقدامی که از زمان شروع جنگ رمضان، بیش از پیش شده و حتی اظهارات رئیس جمهوری را نیز زیر تیغ سانسور می‌برد. هر چند که سانسور سخنان پزشکیان اولین اقدام سیاسی‌کارانه این سازمان نیست و پیشتر هم با سخنرانی تلویزیونی قالیباف را به بهانه‌ی نقص فنی قطع کردند یا حمایت رئیس قوه قضائیه از رئیس دولت چهاردهم هم سانسور کردند. عدم پخش تصاویر روسای جمهوری سابق از تلویزیون مگر به بهانه انتقاد از آنان هم دیگر تبدیل به قصه تکراری شده است. اما همین سیاست دوگانه مدیران این رسانه در برابر سیاسیونی که مورد غضب آنان قرار دارند، باعث شده تا برخی‌ها این سازمان را رسانه میلی بخوانند و نسبت به بودجه کلانی که دریافت می‌کند، اعتراض کنند. در این میان، یوسف پزشکیان در واکنش به حذف بخش‌هایی از سخنان رئیس جمهوری در صداوسیما در توئیتی نوشت که، «چه کسی در صداوسیما تشخیص می‌دهد چه بخشی از سخنان روسای قوا نباید پخش شود؟ اگر چنین انسان حکیمی داریم که تشخیص او بالاتر از سران قواست اداره کشور را به او بسپاریم. وقتی آب هست تیمم باطل است». الیاس حضرتی رئیس شورای اطلاع رسانی دولت، فاطمه مهاجرانی سخنگوی دولت و محمد گلزاری دبیر شورای اطلاع رسانی دولت، از دیگر چهره‌هایی بودند که به این اقدام صداوسیما واکنش نشان دادند. با این حال این رسانه، با تاکید بر اینکه «رعایت دقیق الزامات وحدت کلمه، جلوگیری از القای تشتت و ارسال پیام اقتدار وظیفه رسانه ملی است، نوشت: «رسانه ملی میراث بسیار مهم امام مجاهد شهید را که در پیام اخیر رهبری معظم انقلاب اسلامی (حفظه‌الله) ذیل تعابیر بلند «وحدت کلمه» و «اتحاد مقدس» مورد تأکید معظم له قرار گرفت، یادآور می‌شود و مجدداً اعلام می‌کند در راستای تحقق آن، به رفتار هوشیارانه، مسئولانه و منطبق با مصالح مورد تأکید نظام پایبند است و خود و همگان را به مراقبت دائمی از آن توصیه می‌کند».

**توبیخ پیمان جبلی؟**

اما فارغ از سانسور رئیس جمهوری در این رسانه و توجیهی که روابط عمومی صداوسیما در بیانیه‌ای خود به آن استناد کرده است، در روزهای اخیر بارها مسعود پزشکیان به عملکرد رسانه ملی و حتی عدم پخش کامل بیانات رهبر انقلاب درباره مذاکره معترض شده است. شاهد این گزاره هم این است که روسای صداوسیما شاید در سخنان و بیانیه‌های خود از حفظ وحدت و انسجام ملی سخن بگویند اما در عمل رفتار دیگری از خود نشان می‌دهند که با گفته‌هایشان تناقض شدیدی دارد. با نگاهی به اظهارات اخیر پزشکیان می‌توان این کد را دریافت کرد که مدیران این رسانه با ایجاد چند دستگی میان مسئولان ارشد کشور و پررنگ کردن آن برای مردم، به دوقطبی‌سازی‌ها دامن می‌زدند. وقتی در صداوسیمای جمهوری اسلامی می‌گویند نظامی‌ها این طرف و دولت در طرف دیگر، معنی آن شکاف است. این حرف اسراییل است. من نه تنها خود را از نیروهای نظامی جدا نمی‌دانم بلکه باعث عزت و سربلندی خود می‌دانم و با قدرت از آنان دفاع می‌کنم. من حاضرم بروم و در همان خط مقدم بجنگم و نه تنها از شهادت نمی‌ترسم بلکه برای خود فوز می‌دانم اما صداوسیما حق ندارد القای شکاف کند». این بخشی از اظهارات پزشکیان است که از عملکرد این رسانه پرده‌برداری کرده است. او همچنین در مراسمی، با گرامیداشت نقش هدایتگر مقام معظم رهبری شهید در تعیین مسیر راهبردی کشور، به ویژه در خصوص پایان وضعیت «نه جنگ، نه صلح»، گفت: «اگرچه صداوسیما تنها بخشی از سخنان ایشان درباره عدم مذاکره را پخش می‌کنند، اما در جلسات خصوصی با معظم‌له، ایشان بر ضرورت خاتمه دادن به این وضعیت تأکید داشتند». از همین رو، در چند روز گذشته خبری از هشدار بسیار جدی پزشکیان به پیمان جبلی در نشست دولت منتشر شد که نشان از اختلافات شدید میان آنان است.

**اختلافات می‌ماند اما...**

هفتم مهرماه که برسد، ریاست پیمان جبلی بر تلویزیون به پایان می‌رسد و مشخص نیست که آیا ریاست او بار دیگر از سوی رهبری تمدید خواهد شد یا خیر. اما حتی اگر جبلی صداوسیما را تحویل رئیس دیگری هم بدهد، به نظر نمی‌رسد که این پایان سیاسی کاری‌های رسانه ملی باشد. عملکرد این سازمان پیش از جبلی نشان داده که حضور پرتعداد یاران جلیلی و طیف سیاسی نزدیک به او در این سازمان باعث عدم تغییر سیاست‌های آن شده است و حتی تعویض رئیس سازمان هم تاثیری بر ایجاد اصلاحات و تغییر رویه مدیران آن ندارد.